



بگایان

سال پنجم آبان ماه ۱۳۶۶ ★ ارگان کمیته کردستان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ ۸۰ بهار قسمت: شماره ۵۱

گرامی باد هفتاد و هین سالگشت پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر

درس‌هایی که انقلاب اکتبر به جنبش طبقه کارگر داد

در صفحه ۲

انقلاب کبیر اکتبر

و آزادی ملل در تعیین سرنوشت خویش

”ملتی که بر ملت‌های دیگر، قسم روا میدارد نمی‌تواند خود آزاد باشد؛“ این سخنان مارکس و انگلس، آموزگاران پرولتاریای انقلابی، برای نخستین بار در جهان در پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، معنای واقعی خود را بیافت. انقلاب اکتبر به روشنی اشیاء کرد که تنها و تنها طبقه کارگر و حزب انقلابی اوست که در قبال آزادی و دموکراسی دروغ نمی‌گوید و برای تحقق اصول دموکراتیک از جمله حق تعیین سرنوشت ملل، بواسطه اعتماد داخل ناپذیری که به این اصول دارد،

بقیه در صفحه ۲

صلح بدون الحاق طلبی

و دریافت غرامت

خواست طبقه کارگر است

در صفحه ۴

جنگ هستی‌سوز عامل تشدید فلاکت توده‌ها در زمستان

فعل سرما در پیش است. فعل سرما، برای توده‌های زحمتکش همیشه فعل تشدید زجر و نکبت و بیماری و برجسته شدن هر چه بیشتر فشارهای ناشی از بی‌امکانی است. و از هم‌اکنون این حتم‌انداز تلخ و پیراز مصیبت در برابر عموم توده‌های کارگر و زحمتکش کردستان فرار گرفته است. کمبود سوخت و امکانات حرارتی و رفاهی در زمستان آبی تحت رژیم نکبت بار جمهوری اسلامی، کاملاً قطعی است.

بقیه در صفحه ۱۴

درافشای جنایات

رژیم در کردستان

در صفحه ۷

تشکلهای

پایدار طبقه کارگر

ستون فقرات

جنبش خلق کرد (۲)

در صفحه ۸



دنباله از صفحه ۱

انقلاب کبیر اکتبر

... با چنگ و دندان می جنگند .
 و این امری بود که کمونیستها در
 ماه های پرتلاطم قبل از اکتبر
 ۱۹۱۷ در روسیه ، بر ضرورت آن
 تاکید میکردند و با الدشای پسر
 گوئی ها و وعده های فریبکارانه
 بورژوازی و سایر افاشار و طبقات
 جامعه در این زمینه ، ذهن طبقه
 کارگر و زحمتکشان انقلابی را به
 این حقیقت آگاه میکردند که
 آزادی ملل و تحقق حق تعیین
 سرنوشت خلقها در دنیای معاصر ،
 تنها و تنها در گرو حاکمیت
 پرولتاریا و اعمال دموکراسی
 انقلابی بر جامعه است . در
 دوره ای که هنوز سرنوشت جامعه ی
 روسیه ، تعیین نشده بود و جنبش
 انقلابی کارگران و زحمتکشان
 برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی
 میخروشید و هر روز پیش از روز پیش
 از زیر نفوذ سرمایه داران و
 احزاب متزلزل و ناپسگیر ، خود
 را خارج میکرد و به برنامه ی
 کمونیستها میگریید ، یعنی در ۱۱
 مه ۱۹۱۷ ، لنین رهبر کبیر
 پرولتاریای جهان تصریح کرد که :

« باید حق هدایتی آزادانه و
 تشکیل دولت مستقل برای کلیه
 مللی که جز روسیه هستند به
 رسمیت شناخته شود . نفس این حق
 و خودداری از اتخاذ تدابیری
 که اجرای آن را عملاً تضمین
 نماید برابراست با پشتیبانی
 از سیاست اشغالگری یا الحاق

طرح روی صفحه اول
 لنین و اکتبر از لومیانکو

طلبی فقط در صورتیکه پرولتاریا
 حق جدا شدن ملل را به رسمیت
 بشناسد همبستگی کامل کارگران
 ملل گوناگون تا مین گردیده و به
 نزدیکی واقعا دمکراتیک ملل
 کمک خواهد کرد ؛ حزب بلشویست

تلاطم ، مرز افکار خود را با همه ی
 دمکراتهای بورژوا و مدافعان
 دروغین حقوق ملل ترسیم نمود ؛
 « اعلامیه حقوق خلقهای روسیه »
 اولین کنگره شوراها در مسه
 ژوئن این سال ، حق خلقهای

و آزادی ملل در تعیین سرنوشت خویش



روسیه را برای تعیین آزادانه
 سرنوشت خویش اعلام داشتند و مین
 کنگره شوراها در اکتبر این سال ،
 این حق برگشت ناپذیر خلقهای
 روسیه را قاطعتر و مشخص تر
 تصریح کرد .

شورای کمیسرها ی خلقها
 در اجرای اراده کنگره های
 مزبور تصمیم گرفت بنیانهای
 زیرین را پایه فعالیت خویش
 درباره مسئله ملیتها در روسیه
 قرار دهد :

- ۱- برابری و حق حاکمیت
 خلقهای روسیه ؛
 - ۲- حق خلقهای روسیه در
 تعیین آزادانه سرنوشت خویش تا
 حد جدایی و تشکیل دولت مستقل ؛
 - ۳- الفای تمام و هر گونه
 امتیاز و یا محدودیتهای ملی و
 مذهبی ؛
 - ۴- رشد آزادانه اقلیتهای
 ملی و گروههای نژادی - قومی
 ساکن روسیه ؛
- فرامین مشخص ناشی از مواد فوق
 بدرانک پس از تشکیل کمیسیون
 امور ملتها تدوین خواهد شد .
- بنام جمهوری روسیه
 مدر شورای کمیسرها ی خلق
 و اولیانوف (لنین)
 کمیسرها ی خلقها در امور ملتها
 ژوزف استالین

طلب میکند در قانون اساسی
 اعلام شود که هرگونه امتیازی
 متعلق به هرملتی باشد و هرگونه
 تخلف نسبت به حقوق اقلیتهای
 ملی ، بلا اعتبار است . و به محض
 سرنگونی رژیم بورژوازی و
 تشکیل حکومت شوراها ، یعنی فقط
 یک هفته پس از پیروزی انقلاب
 اکتبر ، پرولتاریای پیروز منند
 روس ، با مدور قطعنامه ای به این
 اعتقاد خود ، حامی عمل بوشاند
 و بدینگونه در همان روزهای پسر

درس‌هایی که انقلاب اکتبر

"کارگران! شما در جنگ داخلی بر ضد تزاریم معجزاتی از قهرمانی پرولتری رفته‌اید از خود نشان دادید. باید در کار مشکل ساختن پرولتاریا و تمام مردم نیز از خود معجزه نشان دهید تا موجبات پیروزی خود را در دومین مرحله انقلاب فراهم سازید." لنین، مارس ۱۹۱۷

این سخنان داهیانه لنین که در فاصله بین انقلاب فوریه و سرنگونی دولت تزار تا انقلاب اکتبر گفته شده، بخوبی درک بلشویکها را از مسئله سازمان دهی هژمونی طبقه کارگر نشان می‌دهد. با این دیدگاه بود که حزب بلشویک به رهبری لنین موفق گردید که اولین انقلاب سوسیالیستی در جهان را به پیروزی برساند. لنینیسم در پرتو انقلاب اکتبر برکلیه تئوری‌هایی که بین انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی دیوار چین می‌کشیدند، خطی بطلان کشید. لنین تاکید مینمود که پس از شروع دورانی که انقلاب اکتبر سرآغاز آن بود، دیگر هیچ جنبش دمکراتیکی بدون سمتگیری سوسیالیستی نمی‌تواند انقلابی باشد و حتی به اهداف دمکراتیک خود دست نیابد. حوادث فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷ نشان داد که تنها ملاک واقعی برای تعیین مرحله انقلاب میزان رشد و درجه آمادگی پرولتاریا و پيشاهنگان آن می‌باشد.

انقلاب اکتبر علی‌رغم دستاوردهای شگرفی که برای طبقه کارگر و مردم روسیه داشت، تجارب عظیمی نیز برای جنبش جهانی طبقه کارگر به‌ار آورده. دست‌آوردهای این انقلاب در

به جنبش طبقه کارگر داد

زمینه ساختمان سوسیالیسم بنای محکمی برای سایر کشورهای که در راه سوسیالیسم گام نهاده‌اند بوده و خواهد بود.

تا قبل از پیروزی انقلاب اکتبر دشمنان مارکسیسم با مطرح نمودن عدم امکان پیروزی انقلاب در یک کشور، طبقه کارگر را از بدست‌گیری مستقل قدرت منبسط می‌نمودند. اما لنینیسم در هیئت حزب بلشویک و با برقراری دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه تمام این تئوریه‌ها را منسوخ نمود. در میان تمام تئوریه‌های انحرافی که در اثر رشد سرمایه‌داری و پیدایش انحصارات امپریالیستی پدید آمده بود، عدم امکان پیروزی سوسیالیسم در یک کشور پیکان حمله علیه لنینیسم در آن دوران بود.

همزمان با تثبیت دست‌آورد های انقلاب در شوروی و گام برداشتن در راه سوسیالیسم، طرفداران این تئوریکم‌ایزوله شده و بخشی از آنان بعدها زمزمه شکست انقلاب را سردادند تا بتوانند دل‌دلیلی بر صحت تئوریه‌های خود بیابند. این تئوری اگرچه در آن دوران از بین رفت ولی بعدها در اشکال دیگری خود را نمایان ساخت.

انقلاب اکتبر مقارن با شروع دوران نوینی در مبارزه طبقاتی در سطح جهان یعنی دورا امپریالیسم و آغاز انقلابات سوسیالیستی بود. از این پس دیگر حتی در عقب افتاده‌ترین

نقاط جهان نیز سوسیالیسم چشم‌انداز کلیه جنبشهای انقلابی گردید. لنین در این دوران با طرح "تزاره رشد غیر سرمایه‌داری" متذکر شد که جمهوری‌های روسیه که سیستم اقتصادی ماقبل سرمایه‌داری دارند به شرط اعمال رهبری طبقه کارگر و با کمک طبقه کارگر پیروز مندر روسیه می‌توانند بدون عبور از مرحله سرمایه‌داری به سوسیالیسم برسند. این تئوری چشم‌انداز نوینی برای انقلاب در کشورهای عقب افتاده‌گشود.

طنز تاریخ بود که بعدها رویزیونیست‌ها تئوری فوق را که در جهت گشودن راه انقلاب سوسیالیستی و بدست‌گیری قدرت توسط طبقه کارگر بود به وسیله ای برای نفی رهبری طبقه کارگر در کشورهای فوق تبدیل کنند. لنین در سالهای بعد از انقلاب اکتبر صراحتاً میگفت که در دورانی ماکسی که از سمت‌گیری سوسیالیستی بهراسد نه دمکرات است و نه انقلابی.

در ایران شاهد بودیم که بطور حزب توده و همپالگی‌هایش با مطرح نمودن عدم آمادگی شرایط عینی و ذهنی برای بدست‌گیری قدرت توسط پرولتاریا و بقیه در صفحه ۵

صلح بدون الحاق طلبی و دریافت غرامت

خواست طبقه کارگر است

باشروع هر جنك، بناگزين مسئله پايان جنك و شرايط و جگونگی برقراری صلح، در برابر طبقات، احزاب و سیاستمداران - اعم از حاکم یا تحت سلطه - قرار میگیرد. اگر جنك ادامه سیاست به طرق دیگر است، موضع گیری در قبال مسئله صلح نیز دقیقاً بیانگر ماهیت طبقاتی هر جریان سیاسی و منافع طبقاتی معینی است که از آن دفاع میکنند. طبقات حاکم ضد انقلابی و مرتجع اهداف برتری طلبانه، کسب بازارهای جدید برای کالاها، به انقیاد کشیدن و غارت منابع و نیروی کار کشورهای دیگر و بالاخره لاپوشانی و تحتالشعاع قرار دادن مبارزه طبقاتی را در داخل مرزهای خودی از طریق جنك دنبال میکنند و به همین دلیل در رابطه با برقراری صلح و آتش بس، شروط الحاق طلبانه، دریافت غرامت و مداخله در امور سایر ملل و تعرض به حق تعیین سرنوشت آنان را مطرح میسازند. در مقابل طبقه کارگر که خود در غل و زنجیر سرمایه اسیر است، نه تنها در الحاق خاک، دریافت غرامت، به انقیاد کشیدن سایر ملل نفعی ندارد بلکه برای رهایی خود از سلطه سرمایه باید چگونه ای فعال، قاطع و پیگیر علیه این شعارها و اهداف بجنگد و از همین رو در هر جنك ارتجاعی

خواهان صلح دموکراتیک و عادلانه یعنی صلح بدون الحاق طلبی و دریافت غرامت بر پایه برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت همه ملتها می باشد. رژیم ولایت فقیه از همان ابتدای آغاز جنك ارتجاعی ایران و عراق هدف صدور ارتجاع اسلامی، ایجاد امپراطوری اسلامی و به انقیاد کشیدن ظقها و تعرض به حق تعیین سرنوشت آنان و بطور مشخص عراق را دنبال کرده است و بویژه در شرایط کنونی در عین حال که میکوشد احساسات شوینستی رادرنکار اعتقادات اسلامی دامن بزند مشخصاً از الحاق خاک و دریافت غرامت سخن میگوید. مدتهاست که عباس رات عوامفریبانه ای چون "ملت بزرگ"، "هوش و ذکاوت ایرانی"، "شجاعت و پایداری ملت بزرگ" و امثالهم و رذیلان سردمداران رژیم است تا بلکه از این طریق بتوانند با تکیه بر عظمت طلبی ملی، توده ها را تحمیق کرده، فریب دهند و در راه اهداف ارتجاعی خویش قربانی نمایند. در عین حال آخرین پاسخ رژیم فقیه به تلاشهای صلح طلبانه بین المللی کاملاً اهداف واقعی ولایت فقیه را در جنك ارتجاعی خود روشن میسازد بعنوان مثال پاسخ مسئولین وزارت امور خارجه به پیشنهاد جدید دبیر کل سازمان ملل برای برقراری

آتش بس این بود که جمهوری اسلامی تازمانی که دعاوی مرزی ایران پذیرفته نشود و غرامت اعلام شده دریافت نگردد و عراق بعنوان متجاوز معرفی و مجازات نشود، حاضر به پذیرش آتش بس نخواهد بود. با توجه به اینکه معرفی و مجازات متجاوز در واقع اسرمز عدم شناسایی حق تعیین سرنوشت برای مردم عراق بشمار می آید؛ معلوم می شود که ولایت فقیه نه تنها در پی الحاق خاک و دریافت غرامت است بلکه میخواهد خود برای مردم عراق تعیین تکلیف نماید. اما بسینیم دلیل مخالفت کمونیستها و انقلابیون با شروط اعلام شده ولایت فقیه برای پذیرش آتش بس چیست و چرا الحاق طلبی و دریافت غرامت ضدیت آشکار با منافع حیاتی طبقه کارگر است؟ هیچ کارگری حتی با ذهنیت کاملاً ساده و ابتدایی را امروزه نمیتوان یافت که در کار کرد جنك ارتجاعی بمشابه حماقی برای برقراری سیستم سرکوب، اختناق و تشدید استثمار توده ها در تمامی ابعاد آن تردید داشته باشد. امروزه کارگران و زحمتکشان کشورمان بنابه تحریم هفت ساله خود بروشنی دریافتند که جنك ارتجاعی ایران و عراق برای آنان حاصلی جز انحلال و سرکوب و حشیانه تشکلهای مستقلشان، تعرض و حشیانه به دستمزدها و معیشتشان، تعطیلی کارخانجات، اخراج و بیکاری روبه گسترش و بالاخره تبدیل کارخانجات تولیدی بقیه در صفحه ۵

درس‌هایی که انقلاب اکتبر به جنبش طبقه کارگر داد

طرح تیز راه رشد غیر سرمایه‌داری و دمکرات انقلابی خواندن خمینی به چه خیانت‌هایی علیه منافع طبقه کارگر دست زدند.

انقلاب اکتبر مهرتأییدی بر تئوری همیشه جاودان مارکس بود مبنی بر اینکه تنها راه رسیدن به سوسیالیسم دیکتاتوری پرولتاریا است. لنین در تمام دوران حکومت کرنسکی در فاصله بین فوریه و اکتبر سال ۱۹۱۷ به کارگران می‌آموخت که سیاست پرولتاریا عدم اعتماد به این دولت و عدم اعتماد حتی به دمکراتیک‌ترین دولت‌های بورژوازی است.

گرامیداشت انقلاب اکتبر و حفظ سنن انقلابی آن بدون دفاع قاطعانه از لنینیسم و بدون دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم در جهان بی معنی خواهد بود.

احزاب و سازمان‌هایی که کلیه دستاوردهای انقلاب اکتبر و سایر انقلابات سوسیالیستی در جهان را نفی میکنند، بازمانی دیگر به طبقه کارگر میگویند که هنوز موقع انقلاب نرسیده و انقلاب سوسیالیستی زودرس است.

در ایران بدنبال شکست انقلاب بهمن و خیانت‌های حزب شده بخشی از خرده بورژوازی رادیکال که تحت تأثیر خو انقلاب و جنبش طبقه کارگر گرایش‌های مارکسیست - لنینیستی پیدا کرده بود. بتدریج از انقلاب سرخورده شده و دچار گرایش‌های لیبرالی و سوسیال دمکراتیک شده

است. این جریان‌ها هم اکنون به انحاء مختلف در مدد نفی لنینیسم و دستاوردهای آن در سطح جهان هستند. حزب کمونیست کومه‌له نمونه ای از این جریان‌ها می‌باشد. این حزب که در ابتدا خود را میراث‌دار حزب بلشویک میدانست هم اکنون بانفی آشکار تمامی دستاوردهای انقلاب اکتبر تنها خود را باگرامیداشت یاد قیام اکتبر دلخوش کرده است.

این جریان‌ها کلیه حرکات طبقه کارگر را تنها تدارکی بسر انقلاب سوسیالیستی در آینده ای دور میدانند. بخش از این جریانات هم اینک برده سهام‌ها را کنار زده و با اعلام این موضع طبقه کارگر را برای مبارزه حول درخواست‌های جزئی و رفرفرا می‌خوانند.

اما علی‌رغم همه اینها هم اکنون لنینیسم پرچم ظفر منسد خود را در چهار گوشه جهان افراشته و هم اکنون بیش از یک سوم از کره ارض با استفاده از آن از بسند سرمایه‌داری رسته اند.

در هفتاد و هشت سالگرد انقلاب اکتبر بکوشیم تا با فشاری پر لنینیسم، این تنها تئوری انقلابی دوران ما و دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم در سطح جهان با آنرا گرامی بداریم.

پیروز باد راه انقلاب اکتبر!
 زنده باد لنینیسم!
 زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

صلح بدون ...

به سربازخانه و زندان، نداشتند است. و امروز حتی کاریجایی رسیده که کارگران و زحمتکشان تا سن ۴۵ سال باید به جبهه‌ها بروند و بقیه مخارج قربانی شدن آنان را تدارک ببینند! پس ضدیت آشکار جنگ با منافع حیاتی و روزمره طبقه کارگر بر هیچ کاریگری پوشیده نمانده است. و از همین رو خواست صلح و پایان دادن به جنگ ارتجاعی در سرلوحه تمامی خواسته‌های کارگران قرار دارد.

اما مگر صلحی که بر مبنای الحاق خاک، دریافت غرامت و به انقیاد کشیدن سایر ملل بدست آید معنایی جز تداوم جنگ و تداوم عوارض دهشتناک ناشی از آن میتواند داشته باشد؟ اگر قرار باشد بخشی از خاک عراق به تصرف ایران در آید، برای تداوم این اشغال لازم است که بسیج نیروها و اعزام آنان به مناطق اشغالی ادامه یابد و بدین ترتیب باز هم در کار خانات آموزش نظامی باید برقرار باشد، کارخانه به سربازخانه تبدیل گردد، نیروی از حقوق کارگران به مخسارج نیروهای مستقر در مناطق اشغالی تخصیص یابد و اختناق حاکم باشد تا هرندای حق طلبانه علیه این ظلم و جور سرعت خفه شود و در یک کلام آثر همان آثر و کاسه همان کاسه. اگر قرار باشد از عراق غرامت جنگ دریافت شود، غرامتی که مبلغ آن سربه فلک میزنند و مجموع آن برابر است با کل درآمد نفتی هر دو کشور از ابتدای

دنباله از صفحه ۲

انقلاب کبیر اکتبر و آزادی ملل در تعیین سرنوشت خویش

ضمن رشد بیسابقه‌ی اقتصادی و اجتماعی، فرهنگ ملی خود را نیز حفظ کرده و گسترش داده‌اند. کردهای ساکن آن بخش از کردستان که در خاک ارمنستان شوروی واقع شده، علی‌رغم آنکه جمعیتشان از چند صد هزار نفر بیشتر نیست، از کلیه‌ی حقوق ملی، فرهنگی و اجتماعی خود برخوردار بوده‌وهم اکنون دارای ایستگاه رادیویی تحت اداره و اختیار خود بزرگان کردی هستند.

بر راستی که برای سرفرود آوردن در برابر عظمت انقلاب کبیر اکتبر و آرمان‌های بخش کمونیست‌ها و کارگران انقلابی اشاره به این واقعیت کوچک کافیت که از میان تمامی بخش‌های ملت کرد تنها بخش مقیم در کشور شوروی سوسیالیستی است که توانسته بطور کامل به حقوق ملی خود دست یابد.

دستاوردهای انقلاب اکتبر الهام بخش و محرک تمامی کمونیست‌ها و دمکرات‌های واقعی و کارگران و زحمتکشان جهان، در هر کشور و جداگانه است و راه انقلاب کارگری و درهم شکستن نظم سلطه جویانه‌ی سرمایه‌داری و دست یافتن به دمکراسی انقلابی را که حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، تنها یکی از وجوه مشخصه‌ی آن است، می‌گشاید □

بلافاصله پس از صدور این اعلامیه، حکومت‌های مستقل اوکراین، فنلاند، سیبری و قفقاز اعلام گردید البته جدایی این مناطق و چند منطقه‌ی دیگر از روسیه شوروی بعنوان یکی از نتایج دمکراتیک انقلاب سوسیالیستی اکتبر، همچنان که لنینین تصریح کرده بود همبستگی کامل کارگران ملل جدا شده را با کارگران روسی تضمین کرده و به نزدیکی واقعا دمکراتیک ملل کمک شایانی نمود. باین ترتیب که طی یک دوره قیام‌های تشویده‌ای و مبارزات حاد طبقاتی در کلیه‌ی این مناطق بجز فنلاند کارگران و زحمتکشان بر نفوذ بورژوازی که خواهان جدایی از جمهوری شوروی سوسیالیستی بود غلبه کردند و به اتحاد جماهیر شوروی پیوستند.

قدرت شگرف حاصل از اتحاد داوطلبانه خلق‌های روسیه و پدید آمدن کشوری به گستره‌ی $\frac{1}{6}$ کسره زمین، موجب شد که تنها کشور سوسیالیستی جهان بتواند پایه‌های اقتصادی خود را مستحکم کند و در مقابل انواع فشارهای دنیای سرمایه‌داری بایستد.

اینکه پس از گذشت ۷۰ سال از این رویداد عظیم تاریخی، خلق‌های ازبند رسته اتحاد شوروی،

استخراج نفت تاکنون، روشن است که برای تضمین دریافت مداوم این غرامت سنگین باید ارتش و سپاه هم‌چنان قوی و مجهز بمانند، و هر روز برای حفظ آماده‌گی رزمی و دندان قروچه کردن علیه حکومت عراق مانور نظامی بر راه بیاندازند و بنا بر این باز هم باید همان وضعی که در حال حاضر برقرار است، برقرار باشد و باز هم آتش همان آتش و کاسه همان کاسه و بالاخره اگر قرار باشد در مناطق اشغالی همان اختناق و سرکوب و بی‌حقی عمومی که اینک در سراسر ایران تحت رژیم ولایت فقیه حاکم است، مسلط شود، طبیعی است که مردم مناطق اشغالی برای رهایی از یوغ بیگانه و برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خود دست به مبارزه خواهند زد و بدین ترتیب جنگ با مردمی که ولایت فقیه به حق تعیین سرنوشت آنان تعرض کرده است مانند جنگی که ۹ سال است در کردستان جریان دارد، ادامه خواهد یافت و باز هم وضع با امروزی که جنگ ارتجاعی ایران و عراق ادامه دارد، فرقی نخواهد کرد.

بنابراین صلح واقعی و صلح پایدار تنها صلحی است بدون الحاق طلبی و بسد و دریافت غرامت که بر مبنای حق تعیین سرنوشت خلق‌ها برقرار گردد. اما دست یافتن به چنین صلحی تنها در گرو سرنوشتی رژیم جنگ طلب و نکیته‌بار ولایت فقیه است طبقه کارگر در راس همه زحمتکشان برای چنین صلحی می‌جنگد □

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلق‌هاست

آبانماه رژیم ولایت فقیه همچون تمامی دورانی که درین - بست جنک گرفتار آمده، تعرض و فشار خود را برای سربازگیری اجباری در کردستان، از سر گرفت. این موج نوین سربازگیری و اعزام جوانان و دانش آموزان به جبهه های جنک همزمان با تبلیغات گسترده رژیم پیرامون وقایع خلیج فارس و اعلام با اصطلاح هفته آمادگی برای مقابله با شرارت های آمریکا در منطقه صورت گرفت.

مزدوران رژیم در همین رابطه طی روزهای ۱۶ و ۱۷ آبان ماه بقصد سربازگیری در شهر بانه دست به کنترل جاده ها و تفتیش و باز دید زدند. رژیم در این یورش وسیع تمامی مزدوران خود اعم از سپاهی و جاسا و شاراله را بیکار گرفته بود، اما با مقاومت مردم و هوشیاری جوانان این بار نیز با شکست روبرو شد. همچنین رژیم در شهر پاوه و منطقه اورامان به دانش آموزان فشار آورده و شهید کرده است که تنها در صورتیکه هریک آماه به جبهه های جنک روانه شوند، مدارک قبولی آنان را معتبر خواهد دانست علاوه بر بداندش آموزان این شرط را برای فارغ التحصیلان و دانشجویان تربیت معلم نیز مطرح کرده است. در همین حال رژیم فقها در تلاش برای تشبیت طرح آموزش نظامی خود در مدارس بعنوان یکی از مواد درسی، اینبار دانش آموزان مدارس راهنمایی شهر بانه را تحت فشار قرار داده و اعلام کرده است که باید هر هفته ۲ ساعت کلاس نظامی اجباری در تمامی مدارس برقرار گردد، حتی در سرخسی از مدارس با حذف مواد درسی

در افشای جنایات رژیم در کردستان

دیگر این سیاست جنایتکارانه خود را عملی نموده است.

رژیم ضدبشری و زندگی ستیز جمهوری اسلامی که اینک طناب جنک را بر گردن خود سفتشتر از پیش احساس میکند، هر روز و هر ساعت با تمویب لایحه و قانون جدید و براه انداختن امواج آدم ربائی میکوشد با به دام انداختن تعداد هر چه بیشتری از جوانان و روانه کردن آنان به قریانگا - های جنک خود رانجات دهد. اما جوانان و دانش آموزان کردستان که از مدت ها پیش ماهیت ضدانقلابی جمهوری اسلامی را میشناسند نه تنها فریب عوام - فریبی های او را نمیخورند بلکه با مبارزات خود و با حمایت همه کارگران و زحمتکشسان کردستان این سیاست رژیم را با شکست مواجه ساختند و تشدید تبلیغات شرم آور و ادعاهای دروغین رادیوی رژیم در سنج، پیرامون حمایت این قشر و آن گروه از سیاستهای جنک طلبانه رژیم نیز، تنهاروی سیاه فقهی جنایتکار رانزد این اقشار و گروهها سیاهتر میکند.

طی ماههای گذشته و خصوصا آبانماه، در کردستان شاهد ادامه اخراجهای کارگری و شاغلین ادارات دولتی بودیم. رژیم جمهوری اسلامی همچون تمامی رژیمهای سرمایه داری میکوشد فشار ناشی از بحران اقتصادی را که خود با سیاستهای جنک

طلبانه اش بوجود آورده است، به دوش کارگران و زحمتکشسان بیاندازد. از جمله در ماههای اخیر در پی گردهمائی مسئولین سید مهاباد به بخشی از کارگران با سابقه شاغل در این قسمت ابلاغ کردند که از پایان شهریورماه دیگر به سرکار نیاید. و بدین ترتیب این کارگران را بعد از سالها سابقه کار بی هیچ حقوقی اخراج کردند. همچنین او آخر مهرماه رژیم طی بخشنامه ای به اداره آموزش و پرورش و مدارس شهر کامیاران اعلام کرده است که می باید تمامی مستخدمین زحمتکش مدارس اخراج شده و از این پس خود معلمین هر مدرسه و وظایف آنها را انجام دهند. علاوه بر این، اداره آموزش و پرورش شهر بانه نیز دست به اخراج معلمین حق التدریسی زده و به جای آنها با اسد ار معلمها و خواهران زینب را استخدام میکند. نمونه هایی که ذکر شد گوشه هایی از ابعاد سیاست بیکار سازی رژیم میباشد. برای جمهوری اسلامی سرنوشت دهها و صدها کارگر، مستخدم زحمتکش یا معلم حق التدریسی وضعیت خانواده - ها و فرزندان آنان آنهم در این شرایط فلاکت بار اهمیتسی ندارد. جمهوری اسلامی مدتهاست که خود صراحتا در تبلیغات و عملکردهایش نشان داده است که همه و همه چیز را فقط در خدمت جنک و بقای عمر تنگین خویش قرار میدهد. بگذارد هزاران و میلیونها خانواده زحمتکش در فقر دست و پا بزنند، بگذار هر روز بر تعداد بیکاران، بی

تشکلهای پایدار طبقه کارگر ستون فقرات جنبش خلق کرد (۲)

اگر چه ذکر مشخصات عمومی در رابطه با اوضاع سیاسی و ترکیب و ساخت درونی کارگران و اولویت بندی کار در میان اقشار مختلف طبقه کارگر میتواند نقشه فعالیت سازمانگر مارا در رابطه با جنبش کارگری در کلی ترسین وجوه آن روشن سازد، اما برای سازماندهی تشکلهای کارگری باید ویژه گیهای هر رشته و هر لایه از کارگران را بطور مشخص مورد بررسی قرار داد و مدام تجربیات موجود در این زمینه را جمع بندی کرده و بکار گرفت.

لیکن قبل از ورود به این بحث تاکید بر يك اهل اساسی در سازماندهی تشکلهای توده ای ضروری است. و آن اینکه تا حد ممکن باید پایه و استخوان بندی تشکیلات را در واحد تولیدی و یا کارگاه قرار داد. جمع بندی تاکنونی مبارزه و سازمانیابی طبقه کارگر در سطح جهان نشان میدهد که پیوندهای مبارزاتی مستحکم میان کارگران و نیز تشبیت اتوریته کارگران پیشرو در میان توده کارگرتنها در جریان کار و مبارزه روزمره شکل میگیرد و بر همین مبنا تشکلهایی که بر پایه واحد تولیدی شکل میگیرند از نظر پیشبرد مبارزه کارگران با تشکلهایی که خارج از واحد تولیدی بوجود می آیند غیر قابل مقایسه است. این رهنمود

عمومی را حتی می توان در بخشهای معینی از کارگران فعلی و پراکنده نیز بکار بست و فعالیت سازمانگرانه در میان آنان را در کارگاه یا واحد تولیدی متمرکز نمود. رعایت این مسئله بویژه در شرایط سرکوب و اختناق موجود و رعایت اصل عدم تمرکز در ایجاد تشکلهای توده ای از اهمیت خاصی برخوردار است و می تواند راه گشای سازمانیابی موشر جنبش کارگری در حال حاضر گردد. اما تاکید بر این اصل به هیچ وجه به معنای بی توجهی به کار در مراکز کارگری که خارج از واحد تولیدی ایجاد میگردد، نیست. و بطور مشخص بخشهایی از کارگران فعلی را نمی توان بر پایه کارگاه سازمان داد و ایجاد تشکلهای توده ای در خارج از محل کار امکان پذیر است.

پس از این یادآوری ضروری بسینیم ویژگیهای هر بخش از کارگران کردستان چیست و امر سازماندهی تشکلهای توده ای را در رابطه با هر بخش چگونه باید عملی نمود؟

تشکل سندیکایی کارگران صنعتی

در بخش واحدهای تولیدی صنعتی و همین طور در بخشهای صنعتی ادارات دولتی که خدماتی چون آب و برق و راه را ارائه می کنند، امر سازماندهی و

مشکل شدن کارگران سریعتر و منسجمتر انجام میپذیرد. علت اصلی این مسئله همانا جریان دائمی تولید و ارتباط پایدار کارگران با یکدیگر است. در عین حال همین عوامل خود سبب درک روشنتر از صف بندی کار و سرمایه و بالا بردن سطح آگاهی کارگران میگردد. بدلیل ارتباط تنگاتنگ کارگران و واحد تولیدی و تمرکز مبارزات جاری آنان در محل کار، واحد تولیدی خود مناسبترین مکان برای پیروزی تشکل سندیکایی کارگران است. در عین حال بدلیل تمرکز کارگران و ارتباطات دائمی میان آنان، سازماندهی مخفی سندیکا از طریق ایجاد هسته مخفی کارگران پیشرو، به نحو موفقیت آمیزی میتوان عملی گردید. اهمیت اساسی این بخش از کارگران نیز دقیقاً از نقطه نظر همین درجه بالاتر سازمان پذیری مورد بررسی قرار میگردد. بعنوان مثال کارگران کارخانجات سنسدر زمینه برپایی جشن همبستگی اول ماه مه و ایجاد صندوقهای همیاری مالی کارگران به نحو چشمگیری فعال بوده اند. بویژه تجربه موفقیت آمیز سازماندهی صندوقهای همیاری مستقل کارگری به روشنی بیان توان سازمان پذیری این بخش از کارگران است.

علی العموم محافل کارگری برای سازماندهی تشکلهای

مبارزه در برابر رژیم ولاست فقیه ، آمادگی برای ایجاد تشکیلات در سطح گسترده شر را بالا ببریم .

تشکل سندیکایی کارگران

فصلی

برای سازماندهی سندیکای کارگران فصلی باید ویژگیهای این بخش از کارگران بطور دقیق مورد بررسی قرار گیرد . کارگران فصلی از لایه های بسیار متنوع تشکیل میگردند و شاید بتوان پراکندگی رامهم ترین ویژگی این بخش از کارگران بشمار آورده کسب آگاهی و روند ایجاد اتحاد و تشکیلات در این بخش از کارگران به کندی پیش میرود و به همین دلیل برای ایجاد سندیکاهای کارگری در این بخش میبایست انرژی بیشتری اختصاص یابد و تمامی امکانات مورد بهره برداری قرار گیرد .

همانطور که در قبل اشاره کردیم ، برای سازماندهی کارگران فصلی باید در قدم اول بر سازماندهی کارگران کوره پزخانه ها و کارگران ساختمانی متخص متمرکز شویم ؟ در اینجا نیز به بررسی ویژگیهای همین کارگران و چگونگی پی ریزی تشکلهای آنان می پردازیم .

کارگران کوره پزخانه اساسا از روستاها می آیند و به نوعی

تولیدی مختلف بامید از مبارزات عمومی علیه بیکار سازی ، با طرح خواست تدوین قانون کار یا برگزاری مراسم اول ماه مه وغیره باید به نحو احسن در جهت برقراری ارتباط متقابل میان واحدهای تولیدی مختلف بهره برداری نمایند . این ارتباط متقابل می تواند با ایجاد هماهنگی مبارزاتی میان واحدهای مجزا زمینه را برای سازماندهی سندیکای گسترده شر در رشته های تولیدی و سپس در سطح شهر و منطقه و یا سراسر کشور در آینده ، آماده سازند . امکان ایجاد اتحاد میان واحدهای تولیدی مختلف بویژه در کردستان و با توجه به سطح موجود از پتانسیل انقلابی و مبارزه حوپی توده های کارگر وجود دارد و به هیچ وجه بیك چشم انداز دراز مدت نیست . برگزاری مراسم اول ماه مه در کردستان در سطح شهر سنندج و با اعتصاب یکپارچه ۵۰ کوره پزخانه بوکان جلوه ای از این امکان واقعی است .

اما در هر حال و تحت هر شرایطی ، پس از برقراری ارتباط متقابل میان هسته های سندیکایی کارخانجات مختلف ، هرگز نباید فراموش کنیم که پایه اصلی سازماندهی سندیکاهای باید واحد تولیدی باشد و هر چه تشکیلات را در درون کارخانه مستحکم سازیم ، همانقدر می توانیم ضمن سازماندهی بهتر

توده ای میباید مورد استفاده قرار گیرند و این مسئله در واحدهای تولیدی صنعتی نیز صادق است . محافل کارگری که به دلایل گوناگون و تحت تاثیر عوامل متنوع چون روابط فامیلی ، روابطی که تحت تاثیر محله یا روستا منطقه مشترک بوجود می آیند و بالاخره روابطی که تحت تاثیر اتوریته کارگران پیشرو در محدوده معینسی از کارگران شکل میگیرند ، در واقع امکانی واقعی برای تجمع نمایندگان طبیعی کارگران در هسته مخفی کارخانه بوجود می آورند و هر گاه هسته مخفی کارگران پیشرو عناصر با نفوذ ، مبارز و صاحب اتوریته این محافل را در خود جای دهد و با به خود مرتب سازد ، عملا قادر خواهد بود تشکل واقعی کارگران را در واحد تولیدی ایجاد نماید . این سیستم در جریان مبارزات کارگری صقل خورده و بدین ترتیب بتدریج کانالهای محکم ، قابل اعتماد و پایداری برای تحکیم وحدت رزمنده توده کارگردرواحد تولیدی شکل میگیرند . این سیستم سازماندهی باید از تمامی امکانات علمی و قانونی برای کشاندن تمامی کارگران در حیطه نفوذ و دامنه بسیج خویش تلاش نماید .

در عین حال هسته های مخفی سندیکا در واحدهای

کارگران! با ایجاد اتحادیه ، سنگری برای پیکار با خود کامگی و بهره کشی بپا کنیم!

جزو باثبات ترین کارگران فصلی هستند؛ تقریباً دو سوم از سال را به کار مشغولند. و تعدادی حتی پس از اتمام کار، محل زندگی خود را که در جو آر کوره هاست ترک نمی کنند؛ بسیاری از آنان به همسراه خانواده و فامیل خود به کار در کوره ها مشغولند؛ معمولاً بی سوادند و ذهنیت کاملاً ابتدایی نسبت به روابط کار و سرمایه دارند. پیوندهای فامیلی و عشیرتی مان انسان حفظ شده و بر همین مبنا گروه بندیهای معینی در محیط کار با منطقه و محله تشکیل می دهند. کارگران کوره پزخانه از یکسو محافظه کاری و تنگدلی نظری دهقانی را حفظ میکنند و از سوی دیگر خصلت شورشوی دهقانان را نیز دارا هستند. معمولاً گروه بندیهای کارگری که بر مبنای فامیل، عشیره یا زندگی در یک محله و منطقه بوجود می آیند، بطور دسته جمعی قسراً دادکار منعقد میکنند و این مسئله از جانب کارفرما نیز پذیرفته شده است. شرایط کار و زیست در کوره ها بسیار سخت است و به همین دلیل کارگران سرعت از خشم و نفرت انباشته شده و همواره کوره پزخانه ها آبهستن حرکات کارگری است. کوره پزخانه ها معمولاً در نزدیکی یکدیگر ساخته می شوند و بواسطه ارتباطات طبیعی میان کارگران کوره ها مجزا، گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری در سطح

یک منطقه نسبتاً آسانتر از سایر محیطهای کارگری امکانپذیر است. بدین ترتیب کوره پزخانه مجموعه متناقضی است از بسنگ سلسله نقاط مثبت و جوانب منفی. ما باید با اتکا به نقاط مثبت کارگران کوره پزخانه، بی ریزی تشکلهای سندیکایی را در این بخش از طبقه کارگر آغاز کنیم و با ارتقاء سطح آگاهی و پیوندهای درونی کارگران کوره پزخانه، جوانب منفی را از میان برداریم. شکل سندیکایی کارگران کوره پزخانه میتواند در درون واحد تولیدی شکل بگیرد. چرا که اولاً کارگران معینی حداقل $\frac{1}{4}$ از سال در مکان ثابتی بکار می پردازند و شایعاً کمیست کارگران قابل توجه است. در عین حال بدلیل نزدیکی و تمرکز کوره های مجزا در یک منطقه و پیوندهای کارگران آنها بسا بکدیگر، امکان ایجاد تشکلهای سندیکایی فراتر از یک واحد تولیدی نیز وجود دارد. این امر بویژه در کردستان امکان پذیر است و تاکنون نیز مبارزات جمعی کارگران کوره پزخانه ها امکان عملی آنرا نشان داده است. علیرغم امکانات فراوان کارگران کوره پزخانه ها برای سازماندهی مبارزه جمعی خود بطور علنی، ایجاد تشکلهای سندیکایی کارگران کوره پزخانه ها باید براساس هسته مخفی کارگران پیشرو انجام گیرد. چرا که از یکسو رژیم ولایت فقیه

و ارگانههای سرکوب آن رهبران مبارز را مورد تعرض قرار میدهد و از سوی دیگر شناسایی رهبران کارگری توسط کارفرماها خطر اخراج آنان را دربردارد. از همین رو تلفیق کار علنی و مخفی برای سازماندهی تشکلهای کارگری در کوره پزخانه ها ضروری است.

برای سازماندهی سندیکایی در کوره پزخانه باید از روابط درونی کارگران بیشترین بهره برداری را نمود. همانطور که گفتیم کارگران کوره پزخانه معمولاً با خانواده فامیل و حتی عشیره خود از روستا حرکت کرده و در کوره بکار می پردازند. این روابط در واقع حکم محافل کارگری را در کارخانجات صنعتی بزرگتر دارد. ما باید از این روابط در جهت متحد کردن مجموعه کارگران استفاده نماییم اما روابط فامیلی یا عشیرتی اگر عناصر بانفوذ آنها مرتجع، عقب مانده یا محافظه کار باشند، میتواند کاملاً نقش مخرب بازی کند. به همین دلیل ما باید با عناصر بانفوذ و در عین حال مبارزتر گروه بندیهای کارگران کوره پزخانه تماس بگیریم و با کمک نمائیم که عناصر آگاهتر در درون این گروه بندیها اتوریته و نفوذ لازم را پیدا کنند. در عین حال باید تلاش خود را برای از میان بردن محافظه کاری و تنگ نظری دهقانی موجود در میان کارگران کوره متمرکز نموده و گروه بندیهای مختلف کارگری را از حالت رقابت با یکدیگر به سمت اتحاد در برابر کارفرما

هدایت نمائیم . هم چنین بنایندبه سنت قرارداد جمعی اشکارکنوده و دامنه آنرا هرچه گستردهتر بچشم سازیم ، گازفرما شفی قی کلند میان گروهبندهای مختلف کارگران رقابت ایجاد کرده و دستمزدها را به نفع خودتعیین کند. درمقابل کارگران بایسد دریابند که هرچه دامنه قرارداد جمعی را گسترش دهند و بر رقابت میان خود فائق آیند، همانقدر می توانند شرایط مناسبتری رابیه کارفرما تحمیل نمایند. وجود ارتباطات تنگاتنگ خانوادگی و فامیلی میان کارگران کوره ، زمینه را برای حل جمعی مشکلات فراهم میسازد. سنت مشاوره دهقانی به این مسئله کمک کرده و در نتیجه امکان برپایی مجامع عمومی کارگری کاملاً وجود دارد از این شکل باید در جهت ارتفاع سطح آگاهی و اتحاد کارگران استفاده نموده بدین ترتیب هسته مخفی کارگران پیشرو ضمن تحت پوشش گرفتن گروهبندهای کارگری و هماهنگ نمودن آنان بایکدیگر، باید از امکانات علنی همچون مجمع عمومی کارگران استفاده نماید بادر هم تنبیدن این مجموعه سندیکای کارگری را در کوره ها بنیسان گذارد.

شرایط سخت و طاقت فرسای کار در کوره ها در تلفیق بسا خفلیت شورش کارگران کوره - بیزخانه ، در صورت سازمانیابی، تشکلهای پایدار کارگری در این بخش میتواند زمینه سازمانیابی را شکوهمندی گردد که نقش طبقه

کارگر را در کردستان به نحو چشمگیری برجسته و موثر سازد و اهمیت تشکلهای پایبندار کارگران کوره بیزخانه در همین جا ست .

پس از کارگران کوزه بیز خانه ، لایه دیگری از کارگران فعلی که آمادهگی بیشتری برای سازمانیابی و گسترش مبارزات خود دارند، کارگران متخصص ساختمانی هستند. دلیل آنکه از میان کارگران ساختمانی، بخش متخصصی آمادگی سازمانیابی بیشتری دارد، همانا شبکات نسبی کارگران متخصص ساختمانی است. کارگران متخصص در بخش ساختمان خود به دو دسته تقسیم میشوند یک دسته کارگرانی هستند که در پروژه های عمرانی یا طرحهای ساختمان سازی بزرگ مانند بیمارستانها یا مجموعه های آپارتمانی کار میکنند مانند آرماتوربندها و امثالهم و دسته دیگر کارگرانی هستند که بطور پراکنده تر در امور ساختمان و در پروژه های کوچکتر بکار مشغولند. سازماندهی دسته اول از کارگران متخصص بخش ساختمان اولاً آسانتر است چرا که در جمع بزرگتر و بسا مدت بیشتری در یک مکان ثابت بکار می پردازند. ثانیاً شکل سندیکایی آنان میتواند در سطح کارگاه تولیدی پی ریزی گردد و از کارآیی لازم برخوردار باشد. حال آنکه دسته دوم از کارگران کارگران داغما متغیر هستند و کاملاً پراکنده بکار مشغول میشوند و به همین دلیل تشکلهای سندیکایی آنان بر پایبند

پاتوقهای کارگری یا میادین کار میتواند ایجاد گردد. بطور کلی سازماندهی دسته دوم و مشکل شدن آنان ، کاملاً وابسته به موقعیت ما در سازماندهی تشکلهای کارگران دسته اول میباشد اما این بدان معنی نیست که ما باید صرفاً در میان کارگران ساختمانی مجتمع در پروژه های بزرگ عمرانی فعالیت کنیم . بلکه باید با فعالیت متمرکز در سطح کارگاه - های ساختمانی و پاتوقهای کارگران ساختمانی و ایجاد پیوند میان این دو امر ایجاد سندیکای کارگران ساختمانی را پیش ببریم . اهمیت کار در رابطه با کارگران پراکنده - تر ساختمانی بویژه در شرایط کنونی که خود دسته اول نیز هر روز بیش از پیش بیکسار میشوند و در حقیقت به موقعیت دسته دوم تنزل می یابند ، بیشتر شده است .

در سازماندهی تشکلهای کارگران ساختمانی توجه به یک نکته کاملاً ضروری است و آن اینکه هرچه کارگران پراکنده تر میشوند ، بار فعالیت علنی برای سازماندهی آنان بایسد بیشتر شود و بویژه از مراسم اول ماه مه و یا سایر مناسبتها و فرمتها در جهت ایجاد تشکیلات و پی ریزی اتحاد میان کارگران بهره برداری بعمل آید. اما با این وجود هسته مخفی کارگران پیشرو باز هم کارکرد خود را دارد و میتواند با تحت پوشش قرار دادن محافل کارگران

ساختمانی که معمولا حول تخصص ساختمانی خود آنها تشکیل میگردد. مانند آرماتوربندها، سیمانکاران یا روکارها و غیره، سازماندهی شکلهای کارگری را در این بخش عملی سازد. بسرای این کار هسته مخفی حتما باید عناصر پانفود هر یک از این رشته های فرعی کارگران ساختمانی را دربرگیرد. این امر در کارگاههای ساختمانی که در حال کار هستند، کاملا عملی است و از سوی دیگر در پاتوقهای کارگری جزو ضروریات کار است.

هر صنف در رشته ساختمان البته مسائل خاص خود را دارد، اما باید وسیعا و دائما به کارگران توضیح داد و در عمل بدانها نشان داد که سندیکای کارگران ساختمانی تنها میتواند با در بر گرفتن هر منصف از کارگران، به قدرت موشری تبدیل گردد و بر پراکنده گی میان آنان نقطه پایانی بگذارد. شرایط کار پراکنده، درک ضرورت وحدت و اشتراك بنیادی کارگران را در رشته ساختمانی مشکلتر میسازد و بنابراین باید نیروی زیادی برای از میان بردن این نقطه ضعف متمرکز ساخت.

یکی از موانع مهم بر سر راه سازمانیابی تشکلی کارگران ساختمانی وجود سر-کارگرها و یا مقاطعه کاران کوچکتر است. این عناصر در عین حال که با کارگران پیوند

نزدیکی دارند در پیشبرد مبارزه کارگران نقش مخرب بازی میکنند و با خصائل خرده بورژوازی خود محافظه کاری در مبارزه مشخص میگردند. بنابراین در پی ریزی سندیکای کارگران در این بخش باید همواره توجه نمود که پایه تشکیلات باید میان کارگران قرار گیرد و نه سرکارگرها و مقاطعه کاران کوچک.

در حال حاضر بواسطه بحران حاد اقتصادی که پیش از هر چیز ناشی از سیاستهای جنک طلبانه فقهای حاکم است، پروژه های عمرانی یکی پس از دیگری تعطیل شده و کارهای متمرکز ساختمانی کمتر از همیشه دایر هستند. اگر چه هنوز هم کارگاههای ساختمانی بزرگ در کردستان وجود دارد که میتوان در آنها فعالیت سازمانگرا انجام داد و سندیکاهای کارگری ایجاد نمود. لیکن در حال حاضر فعالیت در پاتوقهای کارگران ساختمانی بدلیل تعطیل پروژه های بزرگ، برای ایجاد تشکلهای کارگران ساختمانی از اهمیت بسزایی برخوردار است. هم چنین بواسطه بیکاری شدید، مبارزه حول بیمه بیکاری نقش زیادی در بر پایی شکل شده ای کارگران دارد و به هیچ وجه نباید تشکل کارگران شاغل و بیکاران یکدیگر مجزا گردند.

هم چنین در پیشبرد سازماندهی کارگران پراکنده، کار در محل زیست و محاسبات کارگری از اهمیت بسیار زیادی

برخوردار است. این درست است که پایه تشکل تنها میتواند در پاتوقهای کارگری پی ریزی گردد اما کار در محلات و فعالیت در میان محافل کارگری نقش پیشیمان و تقویت کننده فعالیت در پاتوقهای کارگری را دارد و میتواند آنها را تحکیم بخشد.

پایه تشکل سندیکایی بر عقد قرارداد دسته جمعی کار قرار دارد و در این زمینه کارگران ساختمان بویژه از پراکنده گی رنج میبرند. شرکتیهای ساختمانی، مقاطعه کاران و معماران همواره سعی می کنند با کارگران بطور پراکنده قرارداد بسته و تنها آنجایی که می توانند دستمزد پائین تری بپردازند، اساس موفقیت سرمایه داران در این زمینه بر استفاده مطلوب از رقابت موجود میان کارگران بویژه در شرایط بیکاری کنونی است.

سنت عقد قرارداد دسته جمعی تنها میان کارگرانی وجود دارد که به کار در کارگاههای ساختمانی بزرگ مشغولند و البته این سنت نیز در همه ابعاد و جوانب آن عملی نمیگردد و دستخاست مجزای کارگران خود جداگانه قرارداد می بندند. بسرای سازماندهی سندیکای کارگران ساختمانی قبل از هر چیز ما باید به این سنت موجود اتکا کنیم و دامنه آنها را گسترش دهیم. در عین حال باید توجه نمود که کارکرد

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر!

قرارداد جمعی کار در این بخش به هیچوجه مشابه کارگران متمرکز در کارخانجات نیست. قرارداد جمعی کار در بخش ساختمان بیشتر به شکل استخدام کارگران طریق مراجعه به تشکل کارگری خود را نشان می دهد. بدین معنا که توده کارگر بسا ایجادنظم معینی میان خود متعهد می گردند که نه بطور مجزا بلکه تنها از طریق نمایندگان خود قرارداد بسته و بکار مشغول شوند بدین ترتیب اولاً ترتیب معینی برای اشتغال و دستمزد معینی برای هر ساعت کار تعیین میگردد و کارفرماها چه بصورت شرکتهای ساختمانی یا معمارها یا مراجعین منفرد مجبور می شوند آنرا بپذیرند. در پیشبرد این سیاست و در توضیح اهمیت آن بویژه باید به تجربه کارگران در دوره پس از قیام و ایجاد سندیکاهای کارگری در کردستان اتکا نمود. درك ضرورت ایجاد این نظم درونی و از بین بردن رقابت میان کارگران، پایه ایجاد تشکلهای کارگری است. هرگاه ما بتوانیم این نظم را میان کارگران ساختمانی متخصص شکل دهیم، آنگاه قادر خواهیم بود کارگران پراکنده تر و غیر متخصص را نیز به ضرورت و کار-آیی این نظم در رابطه با بهبود شرایط کار و زیست آنان، واقف نمائیم.

سازماندهی کارگران مهاجر

بخش بزرگی از کارگران کرد به خارج از کردستان سفر

میکنند تا برای امرار معاش شغلی بیابند. این کارگران در واقع جزو کارگران فصلی هستند و در رشته های مختلفی بکسار میگردانند. از کارگران کوره - پزخانه تا ساختمانسی بسا کشاورزی رامیان کارگران مهاجر میتوان یافت.

بدین ترتیب کارگران مهاجر از پراکنده ترین کارگران محسوب میگردند که بسختی سازمانپذیرند و بویژه بدلیل خصلت متنوع کار آنها، ایجاد یک تشکل سندیکایی میان آنان در حال حاضر امکانپذیر نیست. با این وجود کار سازمانگر میان کارگران مهاجر کرد از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که از یکسو بخش بزرگی از کارگران کرد را تشکیل میدهند و از سوی دیگر نقش رابط میان کارگران کردستان با کارگران ایران را بازی میکنند. این نقش بویژه در رابطه با تحکیم همبستگی کارگران سراسر ایران و جلب حمایت کارگران سایر نقاط از جنبش حق طلبانه خلق کرد و متقابلاً تضعیف جنبه ناسیونالیستی و تنگ نظرانه این جنبش، اهمیت حیاتی دارد. کارگران مهاجر را بر مبنای محل زیست و پاتوقهای آنسان میتوان سازماندهی کرد و همین طور این فعالیت میباید تا محل کارشان در خارج از کردستان تداوم یابد. هرچه سازماندهی مطی قویتر باشد، نقش کارگران مهاجر در ایجاد تشکلهای کارگری در محل کارشان گسترده تر خواهد بود و متقابلاً دست آورده های سازماندهی در محل کار میتواند

همبستگی را در محل زیست بسه هنگام بازگشت به کردستان تداوم بخشد.

کارگران مهاجر همانطور که با خود پیام خلق کرد را به خارج از کردستان میبرند، به همانگونه نیز تجربیات بالاتر مبارزه و آگاهی به ضرورت پیوند با کارگران سراسر ایران را به درون جنبش خلق کرد به ارمغان می آورند. در این زمینه خصوصاً کارگرانی که به استانهای صنعتی تر و پیشرفته تر سفر میکنند، نقش مؤثری بر عهده دارند. ما باید با فعالیت سازمانگرو آگاه - گرانه خود در این بخش از کارگران امر سازمانیابی کل کارگران را در کردستان تسریع نمائیم.

در اینجا بحث ما پیرامون طرح کلی سازماندهی کارگران کردستان پایان میابد. همانطور که در ابتدا یاد آور شدیم فعالیت سازمانگر ما در میان سه لایه اصلی کارگران کردستان تداوم و پیروزی جنبش خلق کرد است. کارگران بعنوان پیگیر - ترین مدافعین دمکراسی قادرند جنبش دمکراتیک را در گسترده ترین و عمیق ترین لایه ها و اقشار زحمتکشان برانگیزند و بدین وسیله کسب حقوق دمکراتیک خلق کرد را بر پایه قدرت توده ها تضمین کنند و در عین حال بسه عنوان نیرویی که با استثمار انسان از انسان دشمنی و ضدیت آشتی ناپذیر دارند، می توانند جنبش دمکراتیک را تا سر حد رهایی کامل و برقراری سوسیالیزم رهبری نمایند. با سازماندهی این نیرو، رهایی خلق کرد را سازمان دهیم □

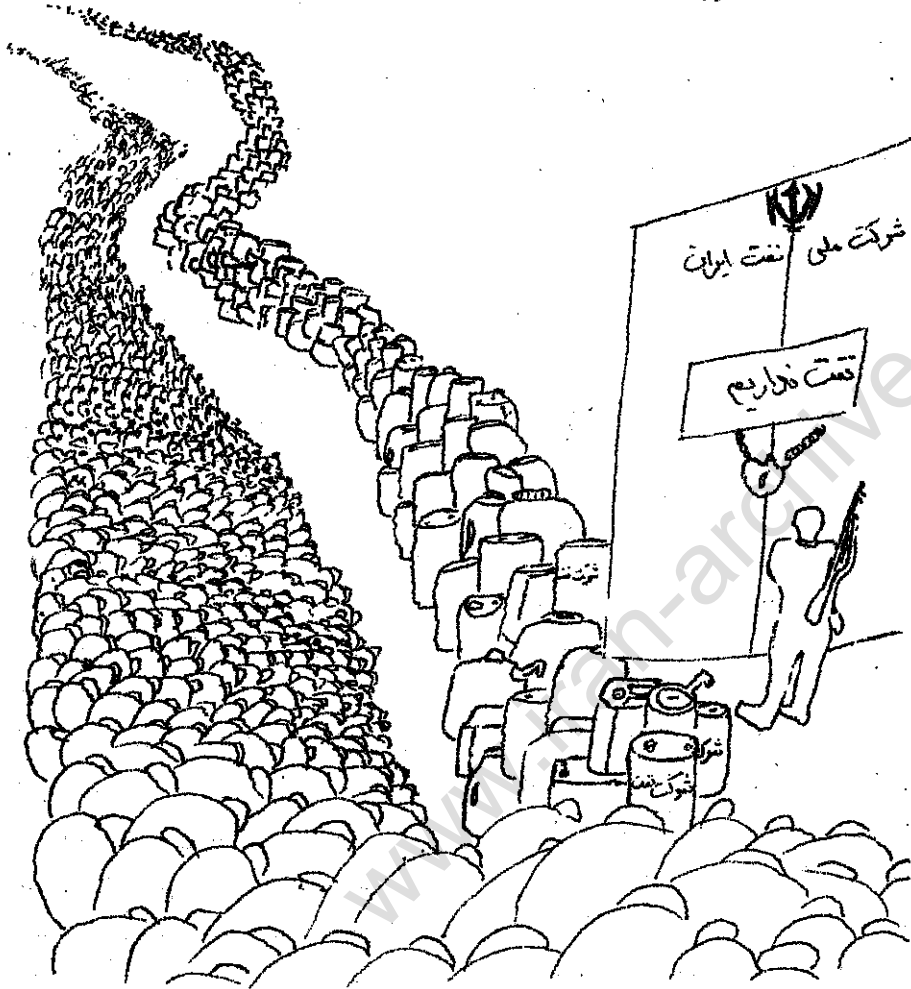
دنیاله از صفحه ۱

اختصاص داده اند. اما روند تبلیغات عوامفریبانه و وعده های دروغین رژیم در این رابطه طی سالهای گذشته، شلیفات و وعده های دروغین کنونی فقها

خواهد آفرید. دریک کلام : پیمانهای ناشی از ادامه ی این جنک ارتجاعی، از هم اکنون چشم انداز بسیار مهیبت باری را برای عموم

... کمبود نفت در سنجج و گرانی بیسابقه تنها نشانه های آن است. امسال در شرایط تشدید بحران اقتصادی

جنگ هستی سوز، عامل تشدید فلاکت توده ها در زمستان



جامعه، افلاس مالی رژیم و اختصاص هر چه بیشتر عموم امکانات مادی به جنک، به مراتب فشارها و مضایب پیش از سالهای گذشته است. امسال، سیاست همی امکانات در خدمت جنک با جدیت بیشتری دنبال میشود و قطعاً این امر بر گمبود سوخت حرارتی در شهرها و روستاها تاثیر مستقیمی خواهد گذارد. بعلاوه با ادامه جنک و بمباران مراکز صنعتی و آسیب دیدن پالایشگاههای نفت و اختصاص بخش اعظم وسایط نقلیه برای جبهه ها عرضه ی نفت سفید در داخل کشور با اختلال بیشتری روبرو خواهد شد. و اینها تنازه در شرایطی است که جنک شهرها متوقف شود. چرا که به تداوم جنک شهرها و ویرانی سر پناه توده ها و آوارگی بخش های هر چه وسیعتری از جمعیت، مسئله تامین حداقل امکانات حرارتی و رفاهی سوپژه برای آوارگان جنگی، بر ارضی که معظلمی است فاجعه بار. امری که در سالهای گذشته فجایع بی شماری آفرید و امسال نیز به تداوم جنک هستی سوز ایران و عراق، همچنان فجایع بی شماری

را برای عموم توده ها از پیش افشاء کرده است. توده ها این واقعیت را در سالهای پیش تجربه کرده اند که حتی اگر کوبین برای تمام جیره نفتشان هم توزیع شده باشد، توزیع نفت دچار اختلال بود. و بخشی از کوبین های توزیع شده بلا استفاده خواهد ماند.

توده های محروم و زحمتکش ما در فصل زمستان نشان می دهد. به همین دلیل رژیم جنایتکار فقها بقصد پیگیری از اعتراضات توده ای، از هم اکنون تبلیغاتی را در این رابطه آغاز و مکرراً اعلام میکنند که ارگانها و نهادهای فلان و بهمان از هم اکنون برای توزیع سوخت حرارتی، کافی در سراسر کشور برنامه ریزی کرده و نیروی لازم را بدین امر روند

این وضعیت کشوری است که پایه اصلی اقتصادش بر سر بقیه در صفحه ۱۵

دنباله از صفحه ۱۴

جنگ هستی سوز

نفت متکی است و یکی از تولیدکنندگان و فروشندگان عمده نفت در بازارهای جهانی است. شاید کمی عجیب باشد، اما در حکومت و لایه فقیه هیچ چیز عجیب نیست. جمهوری اسلامی، محل کار و زیستن حمتگشان را به مردابی توان توان فرسا تبدیل میکند تا از گرمای تنور جنگش یک لحظه کاسته نشود.

تمام تبلیغات و وعده های فقهی مبنی بر تامین سوخت زمستانی امسال، دروغ و نیرنگ محض است. از هم اکنون باید چشم انداز تیره ای را که حاکمان جنگ افروز و جنایتکار تدارک دیده اند آگاهانه دریافت و خواست تامین سوخت زمستانی در محل کار و زیست و در هر کجا که امکان پذیر است در وسعت هر چه دامنه دار تر مطرح ساخت. طرح خواستهایی در این زمینه در محلات و در کارخانه ها، در عین حالیکه توده های هر چه بیشتری را به طرح نیازهای واقعی شان از هم اکنون تشویق میکند و به مقابله با رژیم و ادار دارد، حکومتیان را علیه اعمال سیاستهای ارتجاعی شان تحت فشار قرار میدهد و تحلیل عمومیت داشتن این خواسته ها، می تواند سریعاً یک جنبش اعتراضی گسترده را علیه سیاستهای ارتجاعی و جنسک طلبانه رژیم برانگیختن و این جنبش همچنان که تاکنون در کردستان نشان داده است، بقی در صفحه ۱۶

بیست و پنج سال

از خاموشی ماموستا گوران گذشت

بیست و هفتم آبان ماه ۱۳۶۶، بیست و پنج سال از خاموشی عبدالله طایمان معروف به ماموستا گوران شاعر و روزنامه نگار بزرگ معاصر کرد گذشت. گوران نه تنها بدان سبب که بسیاری از اشعارش، بصورت سرود و ترانه و آواز دهان به دهان مردم کرد می گردید و نه تنها بخاطر آنکه شور زندگی و مبارزه اش زیانزد بخش وسیعی از توده های خلق کرد شده، بلکه بدان سبب نیز که در فضای ادبیات و شعر کردی و وسعت دادن به آن، نقشی ماندنی در تاریخ ادبیات کردی داشته، مورد توجه ویژه میلیون ها توده ای کرد و جامعه ای ادب و فرهنگ خلق کرد قرار گرفته است.

گوران در حیطه شعر، بدون اغراق از تمام شاعران کلاسیک کرد چه در بکارگیری قالب های نو چه در یافتن محتوای نوین، پیش گرفت و شعر کردی را وارد دنیای تشوینی کرد. تا پیش از او شاعران کرد در بسیاری از اشعارشان در بکارگیری واژه های فارسی و عربی هیچ تردیدی به خود راه نمی دادند اما گوران با اصرار و خلاصیت ویژه ای خود کوشید با گزینش لغات و اصطلاحات امیل کردی به جای تمامی واژه ها و اصطلاحات زبانهای بیگانه که تا آن زمان در شعر کردی مرسوم بود، امکانات زبان کردی را به مثابه ای زبان یک ملت به گویاترین شکلی بیان کند. شاید بخاطر همین عمق اصالت زبان گوران است که شعرهای او که روح زندگی و مبارزه مردم کرد در بیت بیت آن موج میزند پیش از هر شاعر دیگر در سطح بسیار وسیع مورد استقبال ملت کرد قرار گرفته است.

گرچه نام ماموستا گوران اساساً بزرگترین شاعر معاصر کرد را به ذهن متبادر می کند اما کارهای برجسته او علاوه بر روزنامه نگاری در زمینه فولکلور و فرهنگ کردستان، داستان نمایشنامه، اپرا، طنز، سرودهای ملی، شعر برای کودکان و تر جمه ای متونی از انگلیسی، عربی، ترکی و فارسی، هر کدام آثار ارزشمندی هستند که نام گوران را در تاریخ فرهنگ و ادبیات کردی جاودانه کرده اند.

آنچه را که در نگرش به آثار گوران نباید هرگز نادیده گرفت بیشتر بسرتلاطم زندگی و مبارزات اوست که تمامی آثارش و به ویژه شعرهای او را زنده و شکوفا کرده است. شعرهای گوران مانند زندگی او و زندگی مردمش، سراسر زیبایی و لطافت است و استواری و مقاومت [

دنباله از صفحه ۷

در اقصای جنایات

خانمانها و آسانی که از گرسنگی و فقر تپاه میشوند افزوده شده مهم اینست که بتوان پول جنک - افزار و مخارج قربانی کردن جوانان مملکت تامین شود! این است معنی واقعی حاکمیت ولایت فقیه و نتایج سیاست مدور انقلاب اسلامی برای مردم ستمدیده .

همچنین در این ماه مناطق مرزی کردستان شاهد فراری دیگر از توحش و ددمنشی رژیم اسلامی بوده؛ جمهوری اسلامی که سالهاست با مقاومت اهالی روستاهای کردستان در مقابل اعمال حاکمیت و پیشبرد سیاست - های فدا انقلابی خویش روبروست هر بار تلاش میکند با تشدید دهننده خوئی و سرکوب آنان را وادار به عقب نشینی نماید .

جمهوری اسلامی میکوشد روستاهای مناطق مرزی را که از مناطق مورد استفاده بیشمرگان بشمار میآید تخلیه نماید و از این طریق جنبش مسلحانه و حمایت توده ای از آن را فلج سازد .

در همین رابطه روز ۱۴ آبان رژیم بار دیگر به شوره های روستاهای ناحیه سویسنسی سردشت اخطار کرده است که هر چه زورتر باید روستاهایشان را تخلیه کنند. همچنین به مردم زحمتکش برخی از روستاهای بخش ثالان سردشت نیز تحت این بهانه که روستاهایشان مرکز فدا انقلاب است اخطار کرده اند که باید هر چه زودتر روستاهایشان را تخلیه کنند. اهالی زحمتکش هر دو منطقه

در مقابل این اخطار رژیم ساکت نشستند و با فرستادن نماینده به ارگانهای رژیم و با تجمع در شهر سردشت اعتراض خود را علیه این سیاست رژیم اعلام کردند .

همچنین مزدوران رژیم مستقر در سردشت چندین روستای منطقه ثالان سردشت از جمله هرزنی ، خواره میر ، گاکسی ، مزناوی ، تپت بالا و پاشینسی و بردان را تبدیل به جولانگاه جنک ارتجاعی ایران و عراق نموده و به ویرانی کشیدند. به تاراج بردن اموال ناچیز روستاییان فقیر و به آتش کشیدن روستاهای کردستان شیوه ای جدید و اوج توحش جمهوری اسلامی است .

این سیاستی است که تمامی رژیم - های فدا انقلابی در مواجهه با مقاومت و یکپارچگی توده ها به آن متوسل میشوند و نمونه های آن در تاریخ بارها توسط فاشیستهای هیتلری ، مزدوران آمریکایی درویتنام به کار گرفته شده است اما آنچه که پرویرانه های روستاها و شهرهای سوخته بنا شده است ملما به اثبات میرساند که این سیاست نیز فقط برای دوره ای کوتاه به عمر ننگین این رژیمها خواهد افزود و آنچه که دوباره جوانه میزند و مستحکم تر از پیش خواهد روئید زندگی و ادامه مبارزه توده هاست .

زحمتکشان روستاهای کردستان با مبارزه طولانی خود طی سالهای اخیر به اثبات رسانده اند که قادرند تمامی سیاستهای رژیم را با شکست مواجه نمایند. و اینبار نیز

دنباله از صفحه ۱۵

چنگ هستی سوز

می تواند ضربات سنگینی به رژیم فقها وارد سازد . صفهای طویل نفت درمطالعه همچنانیکه در سالهای گذشته شاهد بوده ایم ، یکی از مناسب ترین مراکز افشای سیاستهای جنک طلبانه و وعده های دروغین رژیم فکهاست . از هم اکنون باید برای دامن زدن به اعتراضات توده ای در این مراکز و تبدیل آن به مکانی برای بیان اعتراض و خشم توده ها علیه جمهوری اسلامی آماده شد .

مبارزه علیه فشاها و تفسیقات رژیم در این زمینه ، مبارزه جنک ویرانگر و ارتجاعی است . با تشدید مبارزه برای این خواستها ، باید مبارزه علیه جنک را شدت داد □

مرک بر جنک!

زنده باد صلح!

زنده باد انقلاب!

ملما با اتحاد و یکپارچگی خود ، و با بلند کردن صدای اعتراض خود به اشکال گوناگون این سیاست جنید رژیم را افشا کرده و آنرا با شکست روبرو خواهند نمود □

دنیاله از صفحه ۲۰

البته همه ی کارگران شاغل در صنایع غذایی ، در اتحادیه ی کارگران صنایع غذایی متشکل نیستند، اتحادیه کارگران صنایع غذایی ، علی رغم توطئه های اتحادیه فرمایشی کارگران متحد به تمامی اتحادیه های کوساتو ، به سرعت رونق و تحکیم اقتصاد و گسترش نفوذ خود را در میان کارگران سیاه طی کرد و در چهار کارخانه ی مهم

همه ی این تهدیدات ، نه تنها به گسترش و تشدید مبارزات خود ادامه میدهند بلکه همزمان پیگیرانه در جهت حفظ نیروهای خود، آزادی اعضای خود از زندان ها و جلوگیری از اخراج آنها از کارخانه ها تلاش میکنند. برای نمونه ، مدت ۸ ماه ، تنها غلبه یکی از موسسات تولید کننده ی محصولات لبنیاتی ، برای بازگشت اعضای اخراجی خود ، به رسمیت شناساندن

کارگران سیاه علیه سلطه تروریستی رزمند (۲)

ناحالی شمالی و تعدادی کارخانه ی کوچکتر ، به رسمیت شناخته شد. در یکی از کارخانه ها که در قلب کوازولو (kwazulu) واقع شده، کارگران، تحت پوشش قوانینی که در مناطق تحت حکومت سفیدپوستان وجود دارد، قرار نمیگیرند، رهبران کوساتو ، بارها بر اهمیت گسترش قوانین کار در مناطق مختلف آفریقای جنوبی و تحت پوشش گرفتن اعضای اتحادیه کارگری در کوازولو توسط این قوانین ، تاکید کرده اند اما تا کنون دولت کوازولو قدمی در این راه برنداشته است .

اتحادیه ی کارگران صنایع غذایی ، در حمایت فعال و همه جانبه از سه کارگردستگیر شده تحت قانون حالت فوق العاده ، و نجات جان آنان که بخفا از طریق جلب حمایت بین المللی برای اعمال فشار بر شرکت انگلیسی "کادبری" (cadbury) انجام گرفت ، موفقیت چشمگیری بدست آورد. از همین رو حملات و توطئه های مداومی علیه این اتحادیه از جانب دشمنان طبقه کارگر آفریقای جنوبی و رژیم آپارتاید سازمان مییابد. تاکنون نه تنها بسیاری از اعضای اتحادیه دستگیر شده اند بلکه علاوه بر این ، دوتن از رهبران اتحادیه در متینسک کارخانه آجوسازی SA و سه تن دیگر از اعضای آن پس از خروج از یکی از متینسکهای اتحادیه مورد حمایت گنوله قرار گرفتند .

اتحادیه ی کارگران صنایع غذایی علی رغم دست آورد ، از همین رو حملات و توطئه های

اتحادیه ، افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار ، مبارزه ای همه جانبه را سازمان داد .
معاون کوساتو که رئیس اتحادیه ی کارگران صنایع غذایی است در کنفرانس ملی این اتحادیه در اکتبر ۱۹۸۶ اعلام کرد :
"اتحاد نامقدس آپارتاید و سرمایه داری ، امروزه آشکارا عیان شده است . هیچکس دیگر نمی تواند تصور کنند که میتوان سرمایه داری را بدون از بین بردن آپارتاید نابود کرد . هیچ تغییر اساسی اقتصادی ، صرفاً از طریق سازماندهی کارگران در اتحادیه ها و درخواست مزد کافی و شرایط مناسب کار ، بوجود نمیآید ، آنچه که ما از آن میگوئیم ، تغییر کامل سیستم موجود در تمامیش است . و این فقط از طریق مبارزه ای که در برگیرنده ی تمامی نیروهای پیشرو و ظلمت با اقدامات پذیرا است ."
کوساتو متعهد شده است که کارگران کشاورزی را نیز در اتحادیه کارگران صنایع غذایی تمرکز دانه و مشغول کند و پلی مستحکم میان کارگران شهری و روستا بوجود آورد. کارگران صنایع غذایی آفریقای جنوبی نمی خواهند تنها برای مزد بهتر و شرایط کار مبارزه کنند ؛ آنها میخواهند در از میان برداشتن رژیم آپارتاید و ساختن یک آفریقای جنوبی دمکراتیک و سوسیالیستی شرکت کنند .
در ۲۰ آوریل ۱۹۸۶ نوامبر ۱۹۸۶ اتحادیه دمکراتیک

دشمنان و دشمنان را در مبارزه ی خود با اتحادیه ی کارگران صنایع غذایی

نیروی عظیم و قدرتمندی شود که تمامی خواستهها و مفاد قطعنامه هایش را به پیش برده.

کوساتو بی ریزی اتحادیه کارگران ساختمانی را بعنوان اولین گام در جهت مبارزه برای سازماندهی کارگران پراکنده و سازمان نیافته آغاز کرد. در اولین اقدام، نمایندگان از مناطق وایت و اثرز را تشکیل دادند. فالایورا، پرتوریا، پیترزبورگ، ناتال شمالی و جنوبی، استان کیپ غربی، بلوایم فونتنین و کیپ شرقی در کنار ادغام تشکلهای پراکنده کارگران شرکت کردند. اما منطقه کیپ شرقی بدلیل دستگیری و با محظی شدن فعالیستین اتحادیه ای نتوانست در این مسئله دخالت نماید.

بدین ترتیب هفت اتحادیه در امر ادغام تشکلهای پراکنده و بی ریزی یک سندیکای کارگری واحد، شرکت کردند. برای رسیدن به هدف، متینگهایی از کارگران ساختمان، مهندس شهری و بخش تولید و برش سنگ در مناطق مختلف پس از ژوئن ۱۹۸۶ برگزار گردید.

سیس یک کمیته اجرائی موقت شامل یک هماهنگ کننده از هر اتحادیه و دفترداران اتحادیه - ها ایجاد شد. هماهنگ کنندگان و دفترداران موظف بودند تا بر امر تشکیل شاخه های اتحادیه، تقویت اتحادیه کارگران ساختمانی در سطح ملی و بالاخره برتدارک کنگره موسس برای انتخاب یک کمیته اجرائی در سطح ملی، متمرکز شوند.

اصول راهنمایی که پروسه ادغام تشکلهای پراکنده در یک شکل واحد کارگری بر مبنای آن انجام گرفت، عبارتند از "یک صنعت یک اتحادیه" و نیز تعهد به "کنترل کارگران و نیاز به بی ریزی ساختمان قوی شکل بر مبنای کارگاه".

هم اکنون اتحادیه کارگران ساختمان وابسته به کوساتو ۳۰ هزار عضو دارد. اما این تنها بخش کوچکی از نیروی کار موجود در این بخش را تشکیل میدهد. طبق آمار رسمی در سال ۱۹۸۶ بیش از ۳۰۰ هزار کارگر ساختمان در

کارگران آفریقای جنوبی، در کیپ تاون، در نتیجه ادغام چند اتحادیه کارگران دمکرات تشکیل شد. این اتحادیه ها شامل کارگران مناطق کیپ شرقی و غربی، ناتال و ترانسوال بود. آنها سال ۱۹۸۷ را سال کارگران دمکرات جهت خیزش و مبارزه برای احقاق حقوقشان، و برای احقاق حقوق محرومترین و استثمار شده ترین بخش کارگران که بیشترین تعداد آنها را کارگران زن تشکیل میدهند، اعلام کردند. اتحادیه ای جدید یعنی اتحادیه ای دمکراتیک کارگران آفریقای جنوبی، میگوید وحدت خود را در جریان مبارزه طبقه کارگر در جارجوب کوساتو حفظ و تحکیم کند و بار دیگر سازمانهای پیشرو برای تحقق یک آفریقای جنوبی دمکراتیک مبارزه نماید. اولویت اول آن عبارتست از مبارزه برای تحت پوشش قرار گرفتن کارگران خانگی در قانون کار کشوری و اولویت دوم، مبارزه برای بهبود شرایط کار غیر قابل تحصیل فعلی، و علیه اخراجهای مداوم و لحظه به لحظه، دستمزد ناچیز و ساعت کار طولانی، تسکین اتحادیه بر مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد، مزایای بیکاری، ۴۰ ساعت کار در هفته یعنی ۵ روز در هفته یا ۸ ساعت کار در روز، خسارت کار مرخصی سالانه یا دستمزد کامل، مرخصی بیماری با دستمزد کامل، مزایای کارگران زن دارای فرزند و افزایش حق اضافه کاری است.

اتحادیه ای دمکراتیک کارگران آفریقای جنوبی، امروز ۵۰۰۰۰ عضو دارد اما هنوز چندین هزار کارگر هستند که باید سازمان یابند. هرچند که این از کارگران دمکرات خود را در محلات و کمیته های مناطق سازمان داده اند اما اتحادیه ای دمکراتیک کارگران آفریقای جنوبی، نیاز به کمک برای سازماندهی همه ی کارگران دمکرات و نیز سازماندهی کارگران خانگی غیر متشکل دارد تا بتواند تبدیل به آنجمنان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

با نوسانات فعلی اقتصادی روبروست و وضعیت پراکنده کارگاهها، تعداد بسیاری کارگران مهاجر و اتفاقی کارفرمایان را قادر ساخته است که پیشرفت به اخراج کارگران اقدام نمایند. شرایط کار کارگران ساختمان بشدت اسفبار است و آنها دائما در معرض توهین و ناسزا قرار دارند.

به همین دلیل یکی از محورهای مبارزاتی سندیکای کارگران ساختمان کوشش برای متحد ساختن کارگران برای مبارزه علیه اخراجها و شرایط کار بهتر است. در دوره ۸۶ - ۱۹۸۲ تقریباً ۱۲۴ هزار مکان اشتغال در صنعت ساختمان از بین رفته است. این نرخ بالای اخراج و تقلیل شغل، زمانی خشن تر ظهورگر

می شود که کمبودخاد مسکن جامعه سیاه پوست در نظر گرفته شود. بنابراین ضروری است کسبه مبارزه برای سازماندهی کارگران ساختمان، با مبارزه برای حق مسکن جامعه سیاه پیوند یابد. این مسئله از اهمیت حیاتی در سازماندهی کارگران رشته ساختمان برخوردار است.

اتحادیه کارگران ساختمان وابسته به کوساتو، تاکنون چندین قطعنامه برای تقویت سازماندهی خود تصویب کرده است و بالاخره اتحادیه کارگران ساختمان سیر آبنسند، مبارزاتی خود را بدین ترتیب تصویر می کند: طبقه کارگر بیشترین فشار و بیشترین استثمار را تحمل میکند. نیازهای کارگران فقط در جامعه ای که توسط خود کارگران اداره شود و در جهت منافع کارگران باشد - یعنی جامعه سوسیالیستی - تامین میگردد. اتحادیه کارگران ساختمان آفریقای جنوبی هم چنین اعلام نموده است که، فعالانه در مبارزه برای یک آفریقای جنوبی آزاد، غیر نژادی و دمکراتیک شرکت می کند. □

ادامه دارد.

آفریقای جنوبی وجود داشت. که تقریباً ۲۰۰ هزار نفر آنها کارگران سیاه پوست هستند. سندیکای دیگری وجود دارد که مدعی است ۴۰ هزار کارگر ساختمان را متشکل کرده است و هم اکنون تلاش برای متقاعد ساختن این سندیکا جهت ادغام با اتحادیه کارگران ساختمان وابسته به کوساتو ادامه دارد.

دستمزد کارگران سیاه در رشته ساختمان در سال ۱۹۸۶ تنها ۴۲۱ واحد پول آفریقای جنوبی بود. این مبلغ شامل پاداش و مزایا و اضافه کاری نیز میگردد؛ حال آنکه دستمزد پرداخت شده به کارگران سفید معادل ۲۱۱۸ واحد پول این کشور است. این واقعیت که کارگران سیاه ۶۸٪ کل کارگران شاغل در این رشته را تشکیل میدهند، در حالیکه تنها ۴٪ از کل حقوق پرداخت شده در این رشته را دریافت می کنند، ابعاد شدت استثمار و بی حقوقی عمومی آنان را آشکار میسازد. اتحادیه کارگران ساختمان، در حال حاضر برای دریافت دستمزد بیشتر برای هر ساعت کار مبارزه می کند و یک کمیته زنان برای درخواستهای ویژه زنان کارگر و مبارزه برای مزایای مادری تشکیل داده است.



رشته ساختمان از درجه بالای استثمار برخوردار است. یک سوم کارفرمایان ۸۰٪ کارگران را در استخدام دارند. این صنعت



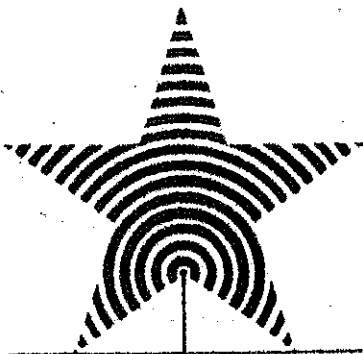
کارگران سیاه علیه سلطه تروریستی رژیمند (۲)

یک صنعت ، یک اتحادیه

نخستین پیاسخ عملی به فراخوان کوساتو مبنی بر "یک صنعت ، یک اتحادیه" ، ادغام تشکلهای مختلف سندیکائی بخش صنایع غذایی در یک شکل واحد بود که اتحادیه کارگران صنایع غذایی را ایجاد کرد. این اتحادیه از به هم پیوستن اتحادیه کارگران بخش غذایی و کنسرو سازی با ۲۲۰۰۰ عضو اتحادیه مواد خوراکی و شیرینیجات با ۲۶۰۰۰ عضو اتحادیه ی کارگران بخش خورده فروش با ۲۹۰۰۰ عضو و نیز کارگران مواد غذایی سازمان یافته در اتحادیه کارگران بخش دولتی ، تشکیل شد .

اتحادیه ی کارگران بخش غذایی ، اکنون دارای ۶۵۰۰۰ عضو است که در ۲۵۰ کارخانه در کلیه شهرهای بزرگ و نیز منسایطس روستایی کار می کنند . این اتحادیه ، در هفده بخش بزرگ صنایع غذایی و نوشیدنی سازمان یافته است . کارگرانی که در شهرهای مختلف اما در بخش واحدی از صنایع غذایی مشغول بکارند در اتحادیه ی واحدی سازمان یافته اند که این تمرکز در امر سازماندهی - می ، توان مبارزات اتحادیه ی کارگران را در قبال مدیریت بسیار افزایش داده است .

تیه در صفحه ۱۷



صدای کارگر

رادیوی سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

★ صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابریا ۴ مگا هرتس بخش می گردد .

★ برنا مذهب ، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد .

★ جمعه ها برنا مذهب بخش می شود .

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر سپارید ؛ ساعات بخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتمکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید !

با کمکهای مالی خود سازمان را

در امر مبارزه انقلابی یاری رسانید

برای تماس با سازمان از خارج کشور ، با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹ در هر لین غربی تماس بگیرید . بدلیل کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط رژیم اسلامی ، مطلقاً تحت هیچ شرایطی از داخل کشور با این شماره تلفن تماس گرفته نشود .

بیست و پنج سال از خاموشی ماموستا گوران گذشت

در صفحه ۱۵

منتشر شد

کارگران همه کشورها متحد شوید!

طرح پوینا

سازمان کارگران انقلابی ایران



سازمان کارگران انقلابی ایران

برای تماس با

سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

و

صدای کارگر

با آدرس زیر مکاتبه کنید

فرانسه

ALIZADI BP195
75564 PARIS - Cedex 12
France

آلمان

Postfach 650226
1 BERLIN 65
w. Germany